

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳: ۱۵۵-۱۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

بررسی شعر عاشورایی فارسی در لرستان (از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی)

علی نوری*

احسان حیدری جمشیدی**

چکیده

مردم لرستان قرن‌ها پیش، مذهب تشیع را از روی صفای باطن پذیرفته و نسبت به آن، اعتقادی راسخ داشته‌اند. حتی حکمرانان این منطقه نیز از قریب به هزار سال پیش، شیعه‌مذهب بوده و برخی از آنان چون اتابکان لر کوچک که از حدود ۵۷۰ تا ۱۰۰۶ هجری بر لرستان حکومت داشته‌اند، خود را از نسل عباس بن علی^(ع) می‌دانسته‌اند. علاقه مردم لرستان به اهل بیت عصمت و طهارت، به‌ویژه امام حسین^(ع) و عباس بن علی^(ع) چنان عمیق است که در فرهنگ و ادب آنان، جلوه تمام و کمال یافته است. در این جستار بر آنیم تا «شعر عاشورایی فارسی لرستان» را به عنوان نمودی از فرهنگ عاشورایی در ادبیات این سامان، به اجمال بررسی کنیم. مهم‌ترین نتیجه تحقیق آن است که محرم، عاشورا و امام حسین^(ع) در گونه‌های مختلف شعر این استان، از جمله شعر فارسی آن، جلوه‌ای چشمگیر و پرمعنا دارد و این جلوه تا جایی است که به رغم شفاهی بودن ادبیات این سرزمین، حتی در میان آثار و اشعار محدود ثبت‌شده موجود نیز تأمل‌برانگیز است. این نکته علاوه بر اینکه ارادت مردم لرستان را به خاندان رسالت نشان می‌دهد، از تمایل آنان به صفاتی چون مردانگی، شرافت و آزادگی حکایت می‌کند؛

nooria67@yahoo.com

* نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان

jamshidi_e63@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان

خصوصیاتی که صحنه کربلا، بارزترین تجلی گاهشان به حساب می آید. دیگر آنکه شعر عاشورایی فارسی لرستان، در چهار دسته قابل طبقه بندی و بررسی است و سه دیگر آنکه اینگونه اشعار در ادبیات لرستان دامنه های گسترده دارد و از کهن ترین سروده های ادیبان لرستانی تا آثار شاعران امروز این دیار را در برمی گیرد.

واژه های کلیدی: عاشورا، شعر عاشورایی، شعر فارسی لرستان، مرثیه و نوحه.



مقدمه

مدح و رثا، از درون‌مایه‌های اصلی شعر فارسی - در طول تاریخ هزار و چند صدساله آن - بوده است. پادشاهان و حاکمان نیز بیشتر به عنوان حربه‌ای سیاسی و تبلیغاتی و ابزاری برای رسیدن به مطامع غالباً ستمگرانه‌شان، از این مضامین سود جست‌ه‌اند. اما در این میان، شاعران و سخن‌سرایان، سه نقش متفاوت داشته‌اند: عده‌ای از شاعران مدیحه‌سرا و مرثیه‌گو، مدیحه‌گویی و مرثیه‌سرایی را وسیله کسب مال و ثروت‌اندوژی خود کرده و به طمع صلات سلاطین، از هر کجی، می‌می‌ساخته و هر ناکسی را کس می‌شمرده‌اند. دسته دیگر، شاعرانی بوده‌اند که به مقتضای حال و اوضاع روزگار، راه اعتدال در پیش گرفته و گاه از سر اجبار و اکراه به مدح و رثای حاکمان و امیران زمان خود و وابستگان آنان پرداخته‌اند، تا بدین وسیله هم موجبات نشر آثار و افکار خویش را فراهم سازند و هم از ناپره خشم و غضب شاهان مستبد و سفاک زمان در امان بمانند. اما گروه سوم، شاعرانی بوده‌اند که به هیچ‌روی حاضر نمی‌شده‌اند تا «این قیمتی در لفظ دری را» در پای خوکان بریزند. به همین سبب پیوسته مورد غضب و مطرود دستگاه حکومتی وقت بوده‌اند و پادشاهان نیز از خوار کردن و آزار دادن آنها ابایی نداشته‌اند و از دیگر سو، اولیای عظام و انبیای کرام را شایسته مدح و منقبت و رثا و تعزیت می‌دانسته و این مهم را بر خود فرض می‌داشته‌اند. آنان، مدح و مرثیه را با توجه به اعتقاداتشان، دست‌مایه نشر اندیشه‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی خود قرار می‌داده‌اند؛ هر چند از عصر صفویه بود که مدح و رثای اولیای دین، به‌ویژه شهیدان کربلا از سوی دربار نیز با استقبال مواجه شد (رضازاده شفق، ۱۳۳۶: ۳۴۰). این کارکرد مدیحه و مرثیه که در میان شاعران و ادیبان شیعه‌مذهب، جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد، از روزگار صفویان به یکی از اصلی‌ترین مضامین ادب فارسی تبدیل شد (کافی، ۱۳۸۸: ۱۹۱-۲۸۰) و پس از آن نیز کم و بیش در شمار مضامین اصلی باقی ماند (همان: ۲۸۳-۷۰۸ و مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۳۳۵ و انصاری، ۱۳۸۹: ۹۱-۲۱۲).

در ادبیات لرستان نیز - چه در شعر فارسی و چه در شعر لکی و لری - مرثیه اولیای دین و به‌ویژه مرثیه شهیدان کربلا چشمگیر است. از آنجا که بررسی این نوع شعر در شناخت بهتر ادبیات آیینی این سامان و روشن شدن ابعاد ناشناخته و ناکاویده‌ای از شعر مذهبی

۱۳۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————
فارسی مؤثر است، در این مقاله بر آنیم که جلوه‌های شعر عاشورایی را در اشعار فارسی لرستان از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی گزارش، دسته‌بندی و با روشی تحلیلی-توصیفی بررسی کنیم. بر این اساس، با وجود مشکلات و موانعی چون کمبود منابع و دسترسی نداشتن به نسلی که مأخذ و منبع سرشار این مرثیه‌ها و نوحه‌ها بوده‌اند، کوشیده‌ایم گونه‌های مختلف شعر عاشورایی فارسی را در لرستان معرفی، دسته‌بندی و تحلیل کنیم و گفته‌هایمان را با شواهد کافی از سروده‌های قدیمی‌تر لرستانی مستند سازیم.

پیشینه مدح و مرثیه اهل بیت

در قرون اولیه اسلامی، برخی از شاعران شیعی به سرودن چکامه‌های مذهبی در مدح و رثای پیامبر اسلام و ائمه معصومین (صلوات‌الله علیهم اجمعین) روی آوردند که از جمله در ادبیات عرب می‌توان به فرزدق اشاره کرد. سروده مشهور وی با مطلع:
هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتَهُ
وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِجْلُ وَالْأَحْرَمُ...
که در مدح امام زین‌العابدین^(ع) است، شهرت کم‌نظیری دارد (شهیدی، ۱۳۸۸: ۱۱۳ و هجویری، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

در ادبیات فارسی نیز شاعرانی چون ناصر خسرو و کسایی مروزی، مدایح و مراثی‌ای غرّاً و اثرگذار در نعت و منقبت پیامبر اسلام و خاندان ایشان سروده‌اند که پاره‌ای از آنها به دست ما رسیده است. این روند به‌رغم محدودیت‌هایی که برای مذهب شیعه و پیروانش وجود داشت، همچنان ادامه یافت، تا با قدرت یافتن صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، وضعیت به کلی تغییر کرد. پادشاهان و امیران صفوی در آغاز کار این خاندان، از سویی به مدایح و مراثی‌ای که شاعران به آنان تقدیم می‌داشتند، وقع چندانی نمی‌نهادند و از دیگر سو، شاعران را به مدیحه‌سرایی و ذکر مصیبت ائمه اطهار تشویق می‌کردند (رضازاده شفق، ۱۳۳۶: ۳۴۰). این وضعیت سبب شد که از آن تاریخ به بعد، مدایح و مراثی مذهبی از اصلی‌ترین مضامین شعر فارسی به حساب آیند.

می‌توان با تسامح، مدح و منقبت و مرثیه را از جهاتی یکسان دانست؛ چنان که برخی صاحب‌نظران، اساس مرثیه را بر مدح دانسته‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۹۱). مرثیه‌سرایی و ذکر مصائب حضرت اباعبدالله الحسین^(ع) و خاندان گرامی ایشان در جریان کربلا، به

عنوان برجسته‌ترین نماد مظلومیت و حق‌طلبی شیعه، جایگاه ویژه‌ای در میان ادیبان و شاعران شیعه‌مذهب دارد. واقعه عاشورا علاوه بر جنبه مذهبی آن، همواره از لحاظ تاریخی، سیاسی و اجتماعی نیز بسیار مهم تلقی شده است. به همین سبب پرداختن به این درون‌مایه، در دوران صفویه نیز به شدت مورد توجه قرار گرفت و ادیبان بزرگی چون محتشم کاشانی آن را به اوج خود رساندند (رضازاده شفق، ۱۳۳۶: ۳۴۵). از این دوره به بعد، آثاری در رثای حضرت سیدالشهدا^(ع) پدید آمد و اشعاری در این باره سروده شد که جلوه‌های مختلفی از حادثه عاشورا را به تصویر می‌کشید.

محرم و عاشورا در فرهنگ و ادبیات لرستان

بنا به نقل تواریخ معتبر، مردم لرستان قرن‌ها پیش از اینکه تشیع به خواست و تصمیم و تلاش و شمشیر صفویه در ایران رسمی شود، این آیین را از روی صفای باطن پذیرفته بوده و نسبت به آن، اعتقادی راسخ داشته‌اند. حتی حکمرانان این منطقه نیز از قریب به هزار سال پیش، شیعه‌مذهب بوده و برخی از آنان چون اتابکان لر کوچک که از حدود ۵۷۰ تا ۱۰۰۶ هجری بر لرستان و سرزمین‌های مجاورش حکومت داشتند، خود را به سادات منتسب می‌کرده و از نسل عباس بن علی^(ع) می‌دانسته‌اند (خودگو، ۱۳۷۸: ۹۵). مؤلف کتاب «اتابکان لر کوچک»، از نویسنده ناشناس کتاب «عالم آرای صفوی» که از آثار معتبر عهد صفویه است، چنین نقل می‌کند: «... ملک‌شاه رستم الوار که ایشان از زمان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) تا به حال، شیعه فطری آن حضرت و ایشان را لر عباسی می‌گویند، یعنی نژاد او به عباس^(ع) می‌رسانند...»^(۱) (همان: ۹۵). به تعبیر حمید ایزدپناه، «ساکنان لرستان، مسلمان شیعه دوازده امامی هستند. ظاهراً این اعتقاد از سده چهارم و دوره دیلمیان، مذهب رسمی شده است» (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۳۰).

روشن است که مردمانی با چنین سابقه‌ای در تشیع، تا چه حد برای اصول و اعتقادات شیعی خود اهمیت قائل بوده‌اند. بر همین اساس می‌توان جلوه‌های مختلفی از عاشورا را در فرهنگ اجتماعی و ادبی لرستان یافت که بارزترین آنها در برگزاری مراسم دیرین عزاداری ایام محرم و روز عاشورا جلوه می‌کند. حسن‌علی خان افشار که در سال

۱۳۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————

۱۲۶۶ قمری و از سوی دستگاه حکومتی ناصرالدین شاه قاجار، مأمور سفر به لرستان و خوزستان شده، مراسم عزاداری روز عاشورا را در شهر خرم‌آباد چنین وصف می‌کند:

«صبح روز دوشنبه، روز عاشورا، اهل شهر خرم‌آباد که از شهر تا اردو، یک فرسخ می‌شد، دسته‌به‌دسته و جوقه‌به‌جوقه، محله به محله با طبل و کُتل، سینه‌زنان به اردو ریخته، معرکه و شور عظیمی بر پا شد. آن روز، دو ساعت از روز گذشته، بنای تعزیه شد. مجموع عالم گریه می‌کرد و شهادت حضرت^(ع) را تعزیه درآوردند که زیاد شور داشت. آن هم گذشت؛ به نوعی که در مردم، از بس گریه کرده بودند، طاقت نمانده بود (افشار، ۱۳۸۲: ۸۴).

اما باید به این نکته نیز توجه کرد که ادبیات لرستان به سبب معیشت ایلیاتی و عشایری مردم و حوادث و رویدادهای ناگوار تاریخی، کمتر فرصت ثبت و ضبط یافته است. با این حال، جالب توجه است که درون‌مایه بخش عمده‌ای از همین آثار معدود مکتوب را مضامین دینی، مدایح و مراثی مذهبی و به‌ویژه عاشورایی تشکیل داده است و این امر، نشانه‌ی علاقه و اشتیاق وافر مردمان سرزمین لرستان به حضرت اباعبدالله^(ع) و آرمان‌های بلند قیام حسینی است.

عاشورا در شعر لرستان

مضامین عاشورایی را می‌توان در سروده‌های اولین شاعران لرستان، نظیر باباطاهر جست^(۲) (فضیلت و موسوی، ۱۳۸۹: ۲۵ - ۲۹). همچنین ملا پریشان لک، شاعر سده هفتم و نهم هجری، اشعار زیبا و اثرگذاری به زبان لکی در عزای امام حسین^(ع) و دیگر شهیدان کربلا سروده است، که از جمله مرثیه معروفش با مطلع:

«شهید صحرائ کربلا حسین! وَ بِلای عظیم مبتلا حسین!

(ملا پریشان، ۱۳۶۱، بخش دوم: ۶-۷)

قابل ذکر است. با این حال چنین مضامینی در دوره‌های نخستین شعر لرستان، محدود و اندک به نظر می‌رسد و البته این مسئله را می‌توان اولاً ناشی از این دانست که آثار زیادی از شاعران آن دوران به دست ما نرسیده است و ثانیاً طبق برخی از منابع مانند «تبصره‌العوام» و «النقض»، بیشتر ساکنان لرستان را در قرون اولیه هجری، پیروان

مذهب شافعی و فرقه‌های مشبهه و مجسمه تشکیل می‌داده‌اند (صفا، ۱۳۶۳: ۱۴۳-۱۴۵ و ۱۵۶)؛ ثالثاً تا روزگار معزالدوله دیلمی، ذکر مصیبت و سرودن مدح و مرثیه برای امام حسین^(ع) و شهیدان کربلا تقریباً در هیچ جای ایران به صورت رسمی و فراگیر رواج نداشته است و برای نخستین بار در سال ۳۵۲ هجری، دستور عزاداری و سوگواری روز عاشورا از سوی معزالدوله دیلمی صادر شد و او بود که شاعران را به مرثیه‌سرایی در تعزیت مصیبت کربلا واداشت (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۹۸).

در دوره‌های بعد، به‌ویژه در عهد صفویه که اشعار مذهبی بیشتر مورد توجه قرار گرفت، این درون‌مایه‌ها نیز رواج بیشتری یافتند. با این حال چنان‌که در ادامه خواهیم آورد، اوج استفاده از مضامین عاشورایی در ادب لرستان، مربوط به دوران قاجاریه است.

بحث و بررسی

به طور کلی شعر عاشورایی فارسی در لرستان در چهار مقوله اصلی قابل طرح و بررسی است:

- ۱- اشعاری که کاملاً مربوط به محرم و عاشورا (غیر از نوحه‌ها) است.
- ۲- اشعاری که موضوعشان عاشورا نیست؛ ولی در آنها مضامین و اشارات عاشورایی آمده است.
- ۳- اشعار مذکور در مقتل‌ها
- ۴- نوحه‌ها

که در این مقاله به ترتیب به آنها می‌پردازیم. تاکنون درباره شعر عاشورایی فارسی در لرستان تحقیقی انجام نشده است و مقاله حاضر، نخستین گام در این مسیر به حساب می‌آید.

استفاده از عاشورا به عنوان موضوع و درون‌مایه اصلی

در قالب‌ها و گونه‌های مختلف شعر

در این بخش از آثار شاعران لرستان که حجم بسیار زیادی دارد، عموماً به پایداری‌های امام حسین^(ع) و اصحاب و یارانش در کربلا و روز عاشورا و مصایب حضرت زینب^(س) پرداخته شده است. سرایندگان در این اشعار، مفاهیم عاشورایی را به صورت

۱۳۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————
اصلی و در قالب‌های مختلف شعر فارسی بیان کرده‌اند و مضامینی مانند عشق و عرفان
را نیز به صورت فرعی در بطن آنها گنجانده‌اند؛ چنان‌که «میرزا اسماعیل خان کاکاوند»،
متخلص به سرباز (متوفی به سال ۱۲۸۵ قمری) در رباعیاتش چنین می‌گوید:

دیدم که حسین، تشنه در کرب [او] بلا سیراب شد از خنجر و پیکان بلا
خونش به زمین نقش انا الحق می‌بست تا کرب [او] بلا رنگ شد از خون خدا
گو پاره تنش ز تیر و خنجر گردد از حق نه شهید کربلا برگردد
از جلوه کبریا به خون اکبر کی دامن کبریایی اش تر گردد
(جمشیدی، ۱۳۸۷: ۵۵)

یا «شایق لریستانی» (متوفی به سال ۱۲۲۹ قمری) در این باره چنین می‌سراید:

ای نوگل گلشنِ شفیع دو سرا ای تازه‌نهال چمن شیر خدا
آن کس که تو را ز تیغ کین کرد شهید آیا چه بُود جزای او روز جزا
(شایق لریستانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳)

آن دم که نهاد از ره کین شمر لعین بر خنجر نازنین شه، خنجر کین
از بهر چه سرنگون نگردید سما از بهر چه واژگون نگردید زمین!
(همان: ۱۵۱)

و «صامت بروجردی» (متوفی به سال ۱۳۳۱ قمری) می‌گوید:

اکبر چو ز زین فتاد با حال تباه از سینه کشید ناله و ابته
خم شد کمر حسین و هر دم می‌گفت: لا حول و لا قوه الا بالله
(صامت بروجردی، ۱۳۴۲: ۳۰۷)

قاسم ز عمو چو اذن میدان طلبید گفتا به جواب وی شهنشاه شهید:
تو در بدن عموی خود، چون جانی از جان به جهان، کجا توان دست کشید
(همان: ۳۰۱)

هر چند رباعی در دوره بازگشت، چندان محل توجه نیست (کافی، ۱۳۸۸: ۳۳۳)،
شاعران لریستانی پیرو این نهضت ادبی، برای به تصویر کشیدن مضامین خود با
موضوعات عاشورایی از این قالب نیز بهره فراوان برده‌اند. نکته‌ای که در اینجا باید مورد

توجه قرار گیرد این است که هر شاعر، بنا به ذوق و احساسات و درونیاتش به واقعه عاشورا از منظری خاص توجه نموده است. مثلاً میرزا اسماعیل خان سرباز - که نمونه‌هایی از شعرش آمد - قرائتی عارفانه از حوادث روز عاشورا دارد و می‌کوشد مضامینی عرفانی از آنها بسازد؛ در حالی که شعر برخی از شاعران دیگر نظیر صامت و شایق، بیشتر محتوای مرثیه و ذکر مصیبت دارد.

از طرفی، معمولاً هر شاعر به برخی از صنایع ادبی و ویژگی‌های زبانی، بیشتر توجه می‌کند. به عنوان مثال اگر در نمونه‌های یادشده که به صورت تصادفی از اشعار شاعران نام‌برده انتخاب شده، توجه کنیم، به این نکات پی خواهیم برد که: سرباز بیشتر تمایل دارد واژه «کربلا» را به صورت «کرب بلا» به کار برد که در بردارنده مفهومی توأمان از اندوه و مصیبت است. شایق در هر دو رباعی، از انواع جناس (مثلاً جناس تام در واژه «جزا» هم در معنی پاداش و هم به عنوان نامی برای روز رستاخیز و همچنین جناس خط بین واژه‌های خنجر و حنجر) استفاده کرده است. صامت نیز بیشتر به بُعد نمایشی کار نظر دارد و در هر دو رباعی او، حضور شخصیت‌ها و سخن گفتن مستقیم آنان جلوه‌گر است (امام حسین و حضرت علی‌اکبر در رباعی اول و امام حسین و حضرت قاسم در رباعی دوم).

در شعر عاشورایی لرستان از قالبی بین قصیده و غزل نیز برای پرداختن به مضامین عاشورایی استفاده شده است؛ چنان‌که شایق لرستانی در این مورد می‌سراید:

ای شیعه! شد به نیزه اعدا سر حسین	صد چاک شد ز تیغ ستم پیکر حسین
بر سر ^(۳) چرا ز غم نفشانند خاک چون	در خاک و خون تپیده تن اطهر حسین
ما آب می‌خوریم و به صحرای کربلا	نوشیده آب خنجر کین، حنجر حسین
آسوده ما به بستر و در خاک و خون تپان	گردیده قاسم حسن و اکبر حسین
طفلان ما به عشرت و خورده به جای شیر	پیکان تیر بر گلوی اصغر حسین
زینب سوار گشته به جماز بی‌جهاز	بنگر چگونه خوار شده خواهر حسین
از دیده خون چرا نفشانی ز غم مگر	آگه نه‌ای ز بی‌کسی دختر حسین!؟
یاری کنید چون به صف کربلا نبود	غیر از سنان و تیغ، کسی یاور حسین
در دشت کربلا چه قیامت شدی به پا	آن روز بود زنده اگر مادر حسین

صامت بروجردی نیز در غزل - قصیده‌ای بدین مضمون سروده است:
چه شد که روز جهان تیره چون شب یلداست
ز فرس کرده مسیحا ز نو به عرش عروج
گرفته مرد و زن از هر طرف عزای حسین
کسی که هست خدا، خون‌بهای او چه عجب
چرا به گریه نکوشی، مگر نمی‌دانی
چنان خیال کن اکنون که در رکاب حسین
اگر ز نصرت آن تشنه‌لب شدی محروم
چه‌سان ز یاد رود ماتم شهی که سرش
نمی‌رود ز نظر حال زینب دلخون
دل شکسته «صامت» مدام در ماتم

ز هر طرف به فلک از زمین خروش عزاست
و یا هنوز زمان مصیبت یحیی‌ست
بلی، عزای شه تشنه، سیدالشهداست
که چشم مرد و زن اندر عزاخ خون‌پالاست
سرور قلب پیمبر، حسین عزیز خداست؟
زمان یاری و وقت زوال عاشوراست
برای درد تو امواج گریه، عین دواست
جدا ز تن، جگر تشنه در لب دریاست
که سر برهنه و بی‌کس، اسیر شمر دغااست
برای سید مظلوم تا به روز جزاست

(جمشیدی، ۱۳۸۷: ۷۸)

استفاده از غزل‌های قصیده‌گونه در سرایش شعر عاشورایی دوره بازگشت را می‌توان چنین توجیه کرد: از سویی ضرورت رجوع به سنت‌های گذشته از جمله استفاده از قالب قصیده در موضوعاتی چون مدح و مرثیه و از دیگر سو، توجه به قوت و شدت بیان احساسات در قالب غزل و نیز پویایی و خوش‌ساختی ذاتی غزل، موجبات بهره‌گیری از قالبی بینابین را فراهم آورده که در این مقاله با تعبیر «غزل-قصیده» از آن یاد شده است. البته هم غزل و هم قصیده به صورت منفرد نیز طرفدارانی در میان شاعران عاشورایی لرستان دارد؛ چنان‌که عشقی بروجردی که معاصر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه.ق) بوده، در قالب غزل چنین سروده است:

گفت شاه شهدا: کشته شدن کار من است
هر کجا ناله بیمار غریبی شنوی
صف میدان شهادت، سر بازار من است
نالهاش در اثر ناله بیمار من است
سوز لب‌تشنگی من، دل زینب داند
زان که آن سوخته‌دل، واقف اسرار من است
بوی گیسوی سمن‌سای علی‌اکبر من
در صف کرب بلا، نافه تاتار من است

شکر لله که درین مزرع محنت، «عشقی» ذکر شاه شهدا حاصل اشعار من است

(حزین، ۱۳۸۶: ۳۲۴)

شاعران لرستانی این مضامین را در قالب قصیده نیز به نظم کشیده‌اند. بارزترین نمونه این نوع اشعار را می‌توان در دیوان شیخ عبدالرحمن لرستانی (۱۲۵۲-۱۳۱۵ ه.ش) متخلص به «حیرت» یافت. وی که از علما و مجتهدان طراز اول لرستان در عهد مشروطه بوده (والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۹: ۱۴۳)، در سروده‌های خود، ساختار سنتی قصیده فارسی را حفظ کرده است؛ اما پس از بیان تغزل و تخلص، به جای مدیحه‌سرایی برای ممدوح، به مدح و رثای ائمه معصومین به‌ویژه حضرت سیدالشهدا^(ع) و خاندان پاک ایشان پرداخته است. از جمله اشعار ایشان قصیده‌ای است با مطلع:

ز بس ای یار سیمین‌تن، لطیف و نازنین هستی که نتوان گفت در خلقت، ز سنخ ماء و طین هستی
در این قصیده، شاعر پس از وصف یار، اینگونه به مدح حضرت زین‌العابدین^(ع) ورود پیدا می‌کند:

بلی با این شرافت‌ها که دارای ای شه خوبان یقینم شد گدای کوی زین‌العابدین هستی
غلام آستان آن شهنشاهی که از رفعت غلام درگهش صد خسرو و فغفور چین هستی
و پس از بیتی چند، به مصائبی که بر آن حضرت وارد شده، اشاره می‌کند:
پی پاداری اسلام، شخصی چون تو می‌یابد اسیر و دستگیر از آن، که شاهنشاه دین هستی
به زنجیر ستم تن دادی و گردن نهادی چون در آن زنجیر دیدی رونق شرع مبین هستی...
نباید خورد غم از آنکه در ویران مکانت شد که نقصی نیست گنجی را که در ویران دفین هستی...
به عالم هر مکانی از مکین یابد شرافت‌ها پس آن ویران که جا کردی، به از عرش برین هستی
نمی‌دانم چه حالی داشتی آنکه که زینب را نظر کردی بلاچادر، به بزم آن لعین هستی
ز بس دیدی جفا در راه شام و کوفه از اعدا که از شرمش قلم، هم عاجز و هم
شها از مجلس دنیا خلاصی بخش «حیرت» را که چندین سال‌ها باشد که او زندان‌نشین هستی
(حیرت لرستانی، ۱۳۳۹: ۷۲-۷۴)

آنچه در این قصیده و قصایدی از این دست مشهود است، این است که شاعران لرستانی به استفاده از صنایع بدیعی، بیش از صنایع بیانی رغبت نشان داده‌اند. این مورد شاید از آنجا ناشی می‌شود که مخاطبان این شاعران، بیشتر از میان عوام‌الناس بوده‌اند

۱۴۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————
 که درک زیبایی‌های لفظی کلام، برای آنان آسان‌تر از صور خیال و زیبایی‌های معنوی بوده است. در قصیده یادشده، مواردی از این دست مشهود است. از جمله می‌توان به کاربرد انواع جناس (جناس مرکب در واژه «ماتم» با تکیه‌های متفاوت به معنای مات هستیم: حیران هستیم و نیز مصیبت؛ جناس ریشه در کلمات راه، ره، رهزن و رهنما، رهروان؛ جناس اشتقاق در میان کلمات مکان و مکین)، سجع و تکرار اشاره کرد. با این حال صنایع بیانی (صور خیالی) چون انواع تشبیه و استعاره نیز - هر چند با بسامد اندک - در شعر آنان یافت می‌شود که در این قصیده می‌توان استعاره مکنیه «شرمگین بودن قلم» را شاهد مثال آورد.

قصایدی با این محتوا را می‌توان در شعرهای عاشورایی فارسی دیگر شاعران لرستانی نیز جست. مثلاً میرزا اسماعیل خان کمالوند معروف و متخلص به «مفاخر» که از شاعران عصر مشروطه در لرستان بوده، قصیده‌ای به نام «قسمت‌نامه» دارد که این ابیات از آن است:

چو شد هلال محرم در آسمان ظاهر	گرفت روی زمین را غبار و غم یکسر
چه مامی‌ست که هرگز نمی‌رود از یاد	چه محنتی که شود تازه‌تر ز سال دگر
چو خواست آنکه نماید وفا به عهد ازل	به سوی کوفه ز یثرب ببست بار سفر
به وجد و شوق جوانان هاشمی بنیاد	به گرد قطب وجودش همه چو شمس و قمر
نتاج شیرخدا، عون و جعفر و عثمان	علی اصغر و عباس و قاسم و اکبر
تمام مست ز صهبای عشق، رفته ز هوش	تمام تشنه و مشتاق جامی از کوثر
ورود کرد چو آن شه، به دشت کرب [و] بلا	به جای بیت به‌پا کرد خیمه خواهر
خطاب کرد به زینب ز راه مهر و وفا	که ای کنیز تو صد مثل ساره و هاجر...
شهادت از من و عباس و قاسم و اکبر	اسیری از تو و کلثوم و عابد مضطر
سر برهنه به بازار، از تو و لیلا	قتیل راه خدا، قسمت من و اصغر
طناب گردن و بازو، نصیب خیل زنان	جدا دو دست ز عباس، کان فضل و هنر
ز تست سیلی رخسار نیلی اطفال	ز من به کرب و بلا، ساریان بد گوهر
ز تو خرابه بی‌سقف و مرگ طفل یتیم	ز من سری به سر نی، یا تنور خاکستر...

(غضنفری، ۱۳۷۸: ۴۰۲)

باید توجه داشت که شاعران لرستانی در سرایش قصیده با موضوعات عاشورایی، به سادگی کلام و الفاظ توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در قصیده و همچنین غزل و رباعی، سعی شده است به جای روایت مفصل و ادبی یک صحنه از وقایع روز عاشورا، به رویدادهای حزن‌انگیز متعددی اشاره کنند که تصاویر آنها از پیش در ذهن خوانندگان وجود دارد و حتی مردم عوام نیز با چند و چون آن آشنایی دارند. با این شیوه، قدرت اثرگذاری شعر در گرو تحریک احساسات است، نه آرایه‌پردازی و مضمون‌سازی.

استفاده از مضامین عاشورایی به عنوان درون‌مایه‌های فرعی

در این دسته از اشعار، مفاهیم، تعبیر و مضامین عاشورایی به صورت فرعی و در حاشیه مضامینی مانند عشق، عرفان، رضا، بی‌وفایی محبوب، مدح و... به کار برده شده است. برای مثال عارف نامدار لرستان^(۴)، باباطاهر عریان که از متقدمین شعرای ایران است، در بیان مصائب عاشقی می‌فرماید:

عاشق او^(۵) بی که دایم در بلا بی ایوب‌آسا به کرمون مبتلا بی
حسن‌آسا بنوشه [بنوشی^(۶)] کاسه زهر حسین‌آسا شهید کربلا بی
(باباطاهر، ۱۳۷۰: ۶۹)

زبان شعر باباطاهر - صرف نظر از تغییراتی که به علت اقامت طولانی در همدان، در ساختار زبانی اشعارش پدید آمده و تصرفاتی که دیگران در این باره روا داشته‌اند - کم و بیش، صبغه و سیاق لرستانی خود را فرو ننهاده است. او در به تصویر کشیدن عشق خود، از بیابان خونین کربلا اینگونه بهره می‌جوید:

به دام دلبری دل مبتلا بی که هجرونش بلا، وصلش بلا بی
در این ویرانه جز دلخون ندیدم نه دل‌گویی که دشت کربلا بی
(همان: ۸۵)

میرنوروز که از شاعران عصر صفوی است، با بیانی متفاوت، هنگام شکوه از بی‌وفایی روزگار، به یک‌باره دل از همه‌چیز می‌برد و هوس زیارت کربلا می‌کند:

این همه فکر محالت گشت باطل مال تو گر گنج قارون شد، چه حاصل
گر خدا خواهد از این راه پُر از چاه بیژن طبعم رساند در صف شاه

۱۴۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————
بشکنم این لشگر حرص و هوا را تا ببوسم خاک پاک کربلا را
(میرنوروز، ۱۳۷۰: ۸۲)

شیخ عبدالرحمن لریستانی، در ضمن بیان بی‌وفایی دنیا در قصیده‌ای کوتاه، به مدح و وصف کربلا گریز می‌زند و می‌سراید:

مباش خوش‌دل که دی رفت و نوبهار آمد
بیا چو عاشق صادق به عالمی پرداز
برو به کربلا، جزء خاک آنجا باش
چه کربلا که ورا جان مصطفی است به جسم
چه کربلا که فراتیست اندر او جاری
همان زمین که غبارش چو بر سما خیزد
که کم ز عمر تو می‌گردد این سنین و شهرور
که وارهی ز شر این جهان و شور و نشور
که تا دگر نکنی میل خلد و حور و قصور...
وزین شرافت دارد، شرف به کعبه و طور
که آب زندگی از شرم او شده مستور
به جای سرمه رضوان کشد به دیده حور...
(حیرت لریستانی، ۱۳۳۹: ۳۱)

گاهی نیز شاعران در حین مدح ممدوح خود، به مناسبتی، ذکری از مضامین عاشورایی می‌کنند. چنان‌که شایق لریستانی (۱۱۷۰ - ۱۲۲۹ ه.ق) ضمن قصیده‌ای به مطلع:
در جهان گر از بهشت جاودان جویی نشان
اصفهانست، اصفهانست، اصفهانست، اصفهانست
به مناسبت اینکه ممدوحش، دری را برای حرم اباعبدالله ساخته است، چند بیت را در مدح حضرت امام حسین^(ع) در قصیده خود گنجانده است:
یک در دیگر برای بقعه شاه شهید
آن علی^(ع) را آب، ولی را جان، نبی را جانِ جان
شهریار خاقین، سلطان مظلومان حسین
آن شفیع مذنبین و آن امیر مؤمنان
(شایق لریستانی، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۱)

چنان‌که مشاهده می‌شود، شاعر در غالب این سروده‌ها سعی کرده است به صورت تلویحی یا تلمیحی، به ژرفای معارف عاشورایی اشاره کند و با استفاده از این دقیقه و به میزان توانایی طبع خود، مضمون‌پردازی کند.
شاعران لریستانی در این باب، از دو شیوه متفاوت برای اثرگذاری کلام استفاده کرده‌اند؛ در شیوه نخست، با کاربرد اوزانی که جنبه عاطفی فراوانی را به خواننده القا می‌کند (مانند دوبیتی‌های باباطاهر در بحر هزج) و همچنین یادآوری اوج مظلومیت امام حسین^(ع) در تحمل مصائب وارده بر ایشان، سعی در برانگیختن احساسات مخاطب دارند.

اما در شیوه دوم، به جای ذکر مصیبت و ایجاد حس رقت، با استفاده از بیانی فخیم و جزیل و لحنی حماسی و همچنین اوزان سنگین و نسبتاً طولانی، سعی دارد سهمگینی و عظمت واقعه عاشورا و رشادت رادمردان خاندان رسالت را به تصویر بکشند.

اشعار عاشورایی مندرج در مقتلها

یکی دیگر از شیوه‌های ادبی که شاعران لرستانی با تکیه بر آن به خلق مضامین عاشورایی پرداخته‌اند، گونه‌ای مقتل‌نویسی بوده است. مقتل، اثری است تاریخی-مذهبی که در آن، شرح منظوم و یا منثور حوادث عاشورا سلسله‌وار نوشته می‌شود و انسجام و پیوستگی‌ای کلی در ذکر وقایع کربلا می‌توان در آن مشاهده کرد (صفا، ۱۳۷۱: ۴۲۹۰). مقتل‌نویسی از قرون اولیه هجری در میان عالمان و ادیبان شیعی رواج داشته است (روشن، ۱۳۶۶: ۸۷ و امامی، ۱۳۶۹: ۵۷-۶۳)؛ اما اولاً نویسندگان برخی از مقتلها و مقتل‌گونه‌ها، شیعه نیستند و ثانیاً چنین آثاری همیشه عنوان «مقتل» ندارند، هر چند موضوع همه، کربلا و عاشورا است. از اولین کتب مقتل می‌توان به مقتل الحسین^(ع) ابی‌مخنف و هشام کلبی (شاگرد ابی‌مخنف) اشاره کرد. از معتبرترین مقاتل آن دوران نیز می‌توان کتاب «اللهوف (ملهوف) علی قتلی الطفوف» را که سید بن طاووس به زبان عربی تألیف کرده، نام برد. از آثار دیگری که به واقعه کربلا پرداخته‌اند، می‌توان به «مقاتل الطالبین» ابوالفرج اصفهانی و نیز «تاریخ طبری» اشاره کرد.

در دوره‌های بعد، این ابزار سیاسی - دینی به یک سنت ادبی تبدیل شد و خلق آثاری بدین مضمون در عهد صفویه به اوج خود رسید (رستگار، ۱۳۸۰: ۱۸۰)؛ چنان‌که آثاری مانند «روضه‌الشهدا»ی ملا حسین واعظ کاشفی، مربوط به این دوران است.

در لرستان نیز برخی از شاعران و ادیبان صاحب‌ذوق توانسته‌اند با خلق روایت‌هایی ادبی از حادثه عاشورا، آثاری در این زمینه پدید آورند که معروف‌ترین آنها، اسماعیل خان کاکاوند متخلص به «سرباز» است. وی از شعرای قرن سیزدهم هجری است و چنان‌که سید احمد دیوان‌بیگی در «حدیقه‌الشعرا» گفته است، «اصل او از خرم‌آباد فیلی^(۸) است، ولی به واسطه تولد و تمکن در بروجرد، به بروجردی مشهور شده» (دیوان بیگی، ۱۳۶۴: ج ۱).

۱۴۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————
۷۵۳). سرباز به غیر از دیوان اشعارش، صاحب کتابی به نام «اسرار الشهاده» به نظم و نثر بوده که در آن، وقایع کربلا را با بیانی ادبی به تصویر کشیده است (هر چند صحت برخی از روایات آن، از نظر تاریخی محل تردید است). این کتاب، بارها و از جمله در سال ۱۲۷۴ قمری در تهران طبع شده است و اشعارش را در دهه اول محرم، در تکیه‌ها و مجالس تعزیه می‌خوانده‌اند.

ادوارد براون در «تاریخ ادبیات ایران»، ابیاتی از «اسرار الشهاده» سرباز را ضمن حکایتی نقل می‌کند. گویا عمر سعد برای مقابله با حضرت اباعبدالله الحسین از مسیحیان یاری می‌خواهد، اما «هنگامی که چشم سردار مسیحیان بر حسین افتاد:

کربلا را دید عرش کبریا عرش را تر دید از خون خدا
نقش بست اندر دل از کلک خیال کین خدا باشد بدین عز و جلال
گر خدا نبود، یقین عیسی بُود آفتاب عرش دین ما بود
که پس از اعتقاد به حقیقت اسلام و تقدس حسین، بلافاصله

خواست اذن جنگ با صد شور و شین رفت و جان بنمود قربان حسین
(براون، ۱۳۸۱: ۱۸۹-۱۹۰)

کتاب «عین البکا» از محمد نقی بن احمد بروجردی نیز از دیگر مقاتل معروف لرستان است. نسخه‌ای خطی از این اثر که در سال ۱۰۹۹ هجری تألیف شده، به شماره ۵۴۷ در کتابخانه وزیر یزد وجود دارد (شیروانی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۴۶۹).

در مقتل نویسی، شاعر سعی می‌کند با لحنی روایی به توصیف صحنه‌هایی از وقایع صحرای کربلا بپردازد. این توصیفات، چند ویژگی مشترک دارد که در غالب مقاتل ادبی - از جمله مقتلهای سروده شاعران لرستان - دیده می‌شود؛ از جمله اینکه روایت این مقاتل، از چاشنی مبالغه و اغراق خالی نیست. همچنین سلطه اطناب بر متن کاملاً مشهود است؛ زیرا اساس کار در این مبحث بر توصیف‌گری و داستان‌پردازی است.

شاعر سعی دارد تا برای جذب خواننده یا شنونده (مقاتل را در دوره قاجاریه و حتی پیش از آن، در ایام محرم برای عموم می‌خواندند)، از ترفند صحنه‌پردازی به بهترین نحو استفاده کند و در این راه، گاه دست به دامان خلق شخصیت‌ها و حوادث غیر واقعی می‌شود. به نظر می‌رسد که شاعران، این شیوه را از مقامه‌نویسی در ادبیات عرب وام گرفته‌اند.

نوحه سرایی

نوحه در حقیقت تصنیفی است که اشعار آن، مضمون مذهبی و جنبه دینی دارد و برای سینه‌زنی در مراسم عزاداری ساخته می‌شود (امین‌فروغی، ۱۳۷۹: ۱۰۳). به جرأت می‌توان نوحه سرایی و روضه‌خوانی در مدح و مصائب ائمه را، یک نوع «پاسیون»^(۹) آوازی اسلامی تلقی کرد (دهقانیان، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

مراسم سوگواری دهه اول محرم و روز عاشورا، قرن‌هاست که با حرارتی وصف‌ناپذیر و شور و حالی خاص، به همراه آیین‌های سنتی در لرستان برگزار می‌شود و خواندن نوحه‌های عاشورایی و مراثی مذهبی در این ایام، یکی از جلوه‌های عزاداری سنتی لرستان است.

حسین حزین در تذکره خود، شیوه سنتی عزاداری و نوحه‌خوانی در لرستان را چنین توصیف می‌کند:

«...پس از ورود به مجلس، سردسته مقابل منبر ایستاده و محتشم‌خوان که غالباً پسری ساده بود، اشعاری می‌خواند. آنگاه نوحه‌خوان ذکر می‌داد و چند بیت شمرده می‌خواند و سینه‌زن‌ها در حالی که نشسته بودند، سینه می‌زدند. آنگاه دست را به طرف بالا تکان داده، بلند می‌شدند و هر اندازه لحن نوحه، تندتر می‌گشت [و] به اصطلاح اهالی، صورت جنگی به خود می‌گرفت، دو نفر، دو نفر برابر هم ایستاده، سینه می‌زدند تا منجر به گفتن «یا حسین» شده، سپس ذکر اولیه را گرفته، از مجلس بیرون می‌آمدند» (حزین، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

در لرستان، نوحه‌ها را گاه به همراه نوای حزن‌انگیز ساز (سُرنا) و دهل می‌خوانند. مقامی^(۱۰) را که همراه نوحه‌های عاشورایی نواخته می‌شود، «سَخری»^(۱) یا به اصطلاح عوام، «چَمَری» می‌خوانند. «این مقام را در روز عاشورا و در عزای امام حسین^(ع) می‌نوازند. رابطه ضرب بین سُرنا و دهل در کشش‌های آزاد سُرنا با فاصله‌های ضربی دهل، مساوی است. اما کشش‌های سُرنا، کوتاه و گاه بلند است؛ ولی در سُرناها، اشاره به پایه دارد» (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۸۵). گاه نیز مرثیه‌های عاشورایی همراه با آوای تنبور خوانده می‌شود که

1. Sahari

۱۴۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————
این شیوه بیشتر در میان لک‌زبانان و خصوصاً پیروان فرقه «اهل حق» معمول است. از جمله این مراثی است:

دَر پی عَزای کربلا وَ غَم پَنای بر تو یا امام حسین
یا ذَاتِ حاضر مُوینم وَ چَم^(۱۱) پَنای بر تو یا امام حسین
پس از عزا و غم کربلا پناه بر تو یا امام حسین

این ذکر که ملهم از آیین‌های سوگواری شیعه است، در روزهای عاشورا و سالروز شهادت امام شهید کربلا خوانده می‌شود. آهنگ شامل یک آهنگ‌مایه (موتیف) دوم است که آن را به روضه‌های ایرانی نزدیک می‌کند. روایت تنبور، بسیار ضعیف است و دقیقاً آواز ذکر را دنبال نمی‌کند؛ اما اغلب تنبورنواز، روایت ساده‌شده‌ای را که بازسازی آواز است، می‌نوازد (دورینگ، ۱۳۷۸: ۱۹۷).

نوحه از سه بخش تشکیل شده: شعر، آهنگ و ریتم (وزن). هماهنگی میان شعر و آهنگ و ریتم در نوحه، اهمیت بسیاری دارد (امین‌فروغی، ۱۳۷۹: ۱۰۳). نوحه‌های عاشورایی را به سبب تغییراتی که در وزن و قالب شعر سنتی فارسی ایجاد کرده‌اند، می‌توان از جهاتی پیشرو شعر نو دانست. درست نمی‌دانیم که نوحه‌سرایی در میان شاعران لرستان، از چه تاریخی باب شده، اما اوج این شیوه مذهبی-ادبی را می‌توان در ادبیات اواخر عصر قاجاریه و اوایل عهد پهلوی اول مشاهده کرد. در این دوران، نوحه‌سرایی و بیان مصائب اهل بیت برای ارائه در مجالس روضه و عزاداری، شیوه‌ای مورد توجه بود که با اعتقادات مردم پیوند داشت. بسیاری از این سراینندگان را مردمان کوچه و بازار و روحانیون صاحب‌ذوقی تشکیل می‌دادند که از سوز دل به مرثیه‌سرایی و نوحه‌گویی می‌پرداختند و آثار جالب توجهی خلق می‌کردند. به عنوان نمونه می‌توان از افرادی چون آیت‌الله سید ابوطالب طاهری (۱۲۴۸-۱۳۲۳ ه.ش)، آیت‌الله سید احمد حبیبی (متوفی به سال ۱۳۷۷ ه.ق)، آیت‌الله شیخ عبدالرحمن لرستانی (۱۲۵۲-۱۳۱۵ ه.ش)، شیخ جعفر حجار متخلص به «صابر» (متوفی به سال ۱۳۴۷ ه.ش)، میرزا محمد سامانی (۱۲۸۶-۱۳۶۱ ه.ش) و محمدجواد منصوری (۱۳۰۰-۱۳۸۷ ه.ش) یاد کرد.

نوحه‌هایی که در این برهه از زمان سروده می‌شد، عموماً ضعیف‌ها و اشکالاتی داشت؛ مثلاً در بندها و مصراع‌ها، هجاهایی کم یا زیاد می‌شد یا از نظر وزن و قافیه، عیوبی

داشت. همچنین در پاره‌ای از این نوحه‌ها، مطالبی عنوان می‌شد که از نظر تاریخی مستند نبود و چنان‌که گفته شد، بیشتر این عیب‌ها از آنجا نشأت می‌گرفت که شماری از این نوحه‌سرایان، افراد عامی بودند و اطلاعات ادبی و تاریخی نداشتند.

اما برجسته‌ترین مرثیه‌سرای لرستان که نام او به واسطه نوحه‌های سوزناک و پُر احساس، در تاریخ ادبیات ایران ماندگار شده است، میرزا محمدباقر صامت (۱۲۶۳- ۱۳۳۱ ه.ق) است. دیوان مرثیاتی وی که بارها - و از جمله در سال ۱۳۴۲ قمری - به چاپ رسیده و در ایران، پاکستان، عراق و افغانستان شهرت یافته است، «ریاض‌الشهاده» نام دارد. در قسمت پایانی این دیوان، نوحه‌هایی به اقسام مختلف و لحن‌های متنوع آورده شده که بیش از سایر اشعار صامت مورد توجه قرار گرفته است. از مشهورترین سروده‌های صامت که هم‌اکنون نیز شهرت دارد، این نوحه است که بندهایی از آن در اینجا ذکر می‌شود:

لِمَ يَأْتِي قَوْمٌ تَرِيدُونَ بَغْيِي وَ فِسَادِ	لِمَ تَسْعُونَ بِقَتْلِي بِلِجَاجٍ وَ عِنَادِ
لَيْسَ وَ اللَّهُ سَوَانَا خَلْفَ بَعْدِ نَبِي	فَرَضَ اللَّهُ عَلَي طَاعَتِنَا كُلِّ عِبَادِ
أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينِ، أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينِ	و نَقْدَ طَهْرِنَا اللَّهُ بِطَهْرٍ أَبَدِيَه
و بِنَا قَدْ عَرَفَ اللَّهُ عَلَي كُلِّ بَرِيَه	جَدْنَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ وَ جَوَادِ
شَرَفِ الظَّاهِرِ وَ البَاطِنِ فِينَا اِزْلِيَه	أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينِ، أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينِ
چيست تقصير من ای قوم که ایوم جهانی	در شما نیست ز اسلام نه نامی، نه نشانی
أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينِ، أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينِ...	أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينِ، أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينِ...
گاه گفتمی شه دین در بر صدیقه صغری	زینب خون شده دل، دختر نیک‌اختر زهرا
اصبری اُختی علی ما وقع الدهر علينا	لیس فی سانحه الکون ثبات و مهاد
أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينِ، أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينِ...	چشم پوشیده ز حق نمک آل پیمبر
عجبا و اعجابا امت گمراه که یکسر	همه در ریختن خون من بی کس و یاور
	شده آماده و بگرفته به کف نیزه و خنجر

(صامت، ۱۳۴۲: ۳۳۸)

چنان که مشهود است، بسامد ابیات ملمع در نوحه‌هایی از این دست، بالاست و گرایش به استفاده از اصطلاحات عربی و مذهبی وجود دارد. ضمناً برخی از مصرع‌ها یا ابیات، صرفاً جهت تکرار در هیئت‌های عزاداری سروده می‌شود و در حکم مصرع یا بیت «ترجیع» هستند. از این لحاظ ساختار ظاهری نوحه‌ها، تا اندازه‌ای شبیه به قالب‌های «ترجیع‌بند» و «ترکیب‌بند» است. البته مصرع با بیت برگردان، لزوماً با سایر بندها هم‌وزن نیست؛ زیرا این مصرع یا بیت برای تکرار توسط عزاداران سروده می‌شود و باید ساده، کوتاه و رسا باشد.

اساس نوحه‌سرایی برخلاف مقتل‌نویسی بر ایجاز است و سراینده نوحه سعی دارد صحنه‌های دلخراش و جان‌گزایی از واقعه عاشورا را به صورت فشرده و گاه تلویحی به شنونده یادآور شود، تا احساسات و عواطف او را برانگیزد. شاعران لرستان از آنجا که نوحه‌ها را برای خواندن در میان دسته‌ها و هیئت‌ها می‌سرایند، تمایل چندانی به استفاده از آرایه‌های ادبی در آنها ندارند و مهم‌ترین ابزار آنان در این مورد، سادگی کلام، وزن (ریتم)، آهنگ، لحن و محتوای عاطفی و سوزناک نوحه است.

در حقیقت هر بند از نوحه که گاه ساختاری نزدیک به بحر طویل نیز پیدا می‌کند، همانند پرده‌ای از یک نمایش تراژدیک است؛ با این تفاوت که شنونده از سرانجام این نمایش‌نامه حقیقی، آگاهی دارد. در نوحه‌ها از جمله نوحه‌های لرستان، در پردازش این صحنه، قهرمانان (امام حسین و یارانش)، ضد قهرمانان (یزید، شمر، ابن‌سعد و...) و حتی اجزای صحنه (از قبیل رود فرات، صحرای کربلا، گودال قتلگاه و...)، نقشی بسیار اساسی دارند. عزاداران نیز که بر محتوای داستان اشراف دارند، با حضور در عزاداری و سینه‌زدن، احساس می‌کنند شاهد واقعی این ماجرا هستند؛ اما نمی‌توانند در مسیر واقعه تغییری ایجاد کنند و تا حدودی همین امر موجب به وجود آمدن شوری در عزاداران می‌شود که با اندوه - و گاه کینه و خشم نسبت به ضد قهرمانان - همراه است.

آنچه گفته شد، تنها برگه‌ای از دفتر شعر عاشورایی لرستان بود و جولان در عرصه پژوهش در شعر عاشورایی این دیار، مجال فراخ‌تری می‌طلبد. نویسندگان این مقاله درباره شعر عاشورایی معاصر لرستان و نیز شعرهای عاشورایی لکی و لری تحقیقاتی انجام داده‌اند که در آینده، به محضر علاقه‌مندان این حوزه عرضه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

- از آنجا که در سرزمین لرستان، حجم اندکی از آثار ادبی، فرصت مکتوب شدن یافته‌اند، بسیاری از اشعار این سامان از بین رفته‌اند و نمی‌توان به آنها دست یافت. با این حال بخش زیادی از همین آثار مکتوب موجود، به شعر عاشورایی و مضامین مربوط به واقعه کربلا اختصاص دارد. این نکته علاوه بر اینکه ارادت مردمان این سامان را به خاندان رسالت نشان می‌دهد، از تمایل آنان به صفاتی چون مردانگی، شرافت و آزادگی - که امام حسین^(ع) و شهیدان کربلا، مثل اعلاای این صفات هستند - حکایت می‌کند. اینگونه اشعار از قدیمی‌ترین مضامین مورد استفاده در شعر و ادبیات لرستان است و در کهن‌ترین سروده‌های ادیبان لرستانی تا آثار شاعران امروز این دیار، می‌توان نمونه‌های فراوانی را با این مضمون یافت.

- شاعران لرستانی برای به تصویر کشیدن مضامین خود با موضوعات عاشورایی، از قالب‌های مختلف به‌ویژه قصیده، غزل و رباعی و گاه ترکیبی از غزل و قصیده بهره برده‌اند. هر شاعر بنا به ذوق و احساسات و درونیاتش، به واقعه عاشورا از منظری خاص (عرفانی، عاطفی و...) توجه کرده است.

- شاعران لرستانی به استفاده از صنایع بدیعی، بیش از صنایع بیانی رغبت نشان داده‌اند. این مورد شاید از آنجا ناشی می‌شود که مخاطبان این شاعران، بیشتر از میان عوام‌الناس بوده‌اند که درک زیبایی‌های لفظی کلام برای آنان آسان‌تر از صور خیال و زیبایی‌های معنوی بوده است.

- شاعران لرستان، از آنجا که نوحه‌ها را برای خواندن در میان دسته‌ها و هیئت‌ها می‌سروده‌اند، تمایل چندانی به استفاده از آرایه‌های ادبی نداشته‌اند و مهم‌ترین ابزار آنان

۱۵۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۳ —————
در این مورد، سادگی کلام، وزن (ریتم)، آهنگ، لحن و محتوای عاطفی و سوزناک بوده است. هر بند از نوحه که گاه ساختاری نزدیک به بحر طویل نیز دارد، همانند پرده‌ای از یک نمایش‌نامه تراژدیک است؛ با این تفاوت که شنونده از سرانجام این نمایش‌نامه حقیقی، آگاهی دارد.

- در لرستان، نوحه‌ها را گاه به همراه نوای حزن‌انگیز ساز (سُرنا) و دهل می‌خوانند. مقامی را که همراه نوحه‌های عاشورایی نواخته می‌شود، «سَحَری» یا به اصطلاح عوام، «چَمَری» می‌خوانند. گاه نیز مرثیه‌های عاشورایی همراه با آوای تنبور خوانده می‌شود که این شیوه بیشتر در میان لک‌زبانان و خصوصاً پیروان فرقه «اهل حق» معمول است.

پی‌نوشت

۱. عالم آرای عباسی (۱۳۵۰) به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۳۰.
۲. درباره نسبت باباطاهر به همدان و لرستان، بحث‌های زیادی هست. اجمالاً اینکه وی زاده «دلفان» لرستان بوده که در نوجوانی به همدان رفته و در آنجا ماندگار شده است.
۳. در اصل چنین آمده است: بر سرها چرا ز غم نقشانند خاک چون / در خاک و خون تپیده تن اطهر حسین.
۴. چنان‌که در صفحه ۵ مقاله نیز اشاره شد، درباره زادگاه و محل زندگی و بالندگی باباطاهر، بحث‌های فراوانی شده است و محققان، به‌ویژه در این زمینه که آیا او در همدان زاده، بالیده و درگذشته است، یا از جای دیگری برآمده و همدان محل زندگی و مرگ او یا تنها محل دفن اوست، آرای مختلفی دارند. نویسندگان این مقاله بر اساس برخی شواهد شعری از دوبیتی‌های باباطاهر و نیز با استناد به پاره‌ای تحقیقات متأخر از جمله مقاله دکتر محمود فضیلت و حشمت‌الله موسوی، بر آنند که وی از لرستان برآمده و در سنین نوجوانی به همدان رفته و در آنجا ماندگار شده است (فضیلت و موسوی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۹).
۵. این واژه در لهجه اصلی با همزه مکسور (شوا) و واو مجهول تلفظ می‌شود / ɔ /
۶. به صورت یای مجهول / ē / تلفظ می‌شود.
۷. منظور امام سجاد^(ع) است.
۸. در اصل، صورتی تعریف‌شده از «پهلوی» است و عموماً به منطقه پهل یا به عبارتی «جبال»

- که حدوداً لرستان و ایلام کنونی را در برمی گیرد، اطلاق می شده است. در لغت نامه دهخدا به معنای «لرآن ساکن اطراف خرم آباد» آمده است. عنوانی است که دست کم از دوران صفویه تا قاجار، به دنبال نام لرستان و خرم آباد می آمده و لرهای ساکن این مناطق را با عنوان «فیلی» از سایر لرهای ایران جدا می کرده اند.
۹. پاسیون در موسیقی مذهبی کلیسایی، به قطعاتی گفته می شود که در بیان مصیبت ها و رنج های حضرت عیسی مسیح ساخته می شود (دهقانان، ۱۳۷۹: ۲۰۱).
۱۰. مقام، نوعی از موسیقی است که پایه و اساس آن، متکی بر ردیف ها و مقامات و جایگاه های موجود در شعر و آواز محدوده های کوچک جغرافیایی واقع در یک سرزمین بزرگ است (همان: ۱۹۶).
۱۱. ترجمه بیت: ذات تو حاضر است، آن را به چشم می بینم / پناه بر تو یا امام حسین.



منابع

- افشار، حسن علی خان (۱۳۸۲) سفرنامه لرستان و خوزستان، تصحیح و پژوهش حمیدرضا دالوند، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امامی، نصرالله (۱۳۶۹) مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی، اهواز، جهاد دانشگاهی.
- امین‌فروغی، مهدی (۱۳۷۹) هنر مرثیه‌خوانی، تهران، نیستان.
- انصاری، نرگس (۱۳۸۹) عاشورا در آیین شعر معاصر، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ایزدینا، حمید (۱۳۷۶) جغرافیای تاریخی و اجتماعی لرستان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- باباطاهر (۱۳۷۰) رباعیات، چاپ سوم، تهران، فخر رازی.
- بروان، ادوارد (۱۳۸۱) تاریخ ادبیات در ایران، از فردوسی تا سعدی (نیمه دوم)، ترجمه غلام‌حسین صدری افشار، چاپ پنجم، تهران، مرواید.
- پیشانی، ملا ابوالقاسم (۱۳۶۱) دیوان، به تصحیح و اهتمام اسفندیار غضنفری امرایی، خرم‌آباد، رشنو.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۳) تاریخ ایران، چاپ سوم، تهران، بهزاد.
- جمشیدی، احسان (۱۳۸۷) تذکره سخنوران لرستان، خرم‌آباد، اردیبهشت‌جانان.
- حزین بروجردی، حسین (۱۳۸۶) تذکره حزین، بروجرد، مجمع متوسلین به آل محمد^(ص).
- حیرت لرستانی، شیخ عبدالرحمن (۱۳۳۹) دیوان، قم، دارالعلم.
- خودگو، سعادت (۱۳۷۸) اتابکان لر کوچک، خرم‌آباد، افلاک.
- دهقانیان، عباس (۱۳۷۹) مبانی تئوریک موسیقی، تهران، پرشکوه.
- دورینگ، ژان (۱۳۷۸) موسیقی و عرفان (سنت شیعی اهل حق)، ترجمه سودابه فضائلی، آبادان، پرسش.
- دیوان بیگی شیرازی، سید احمد (۱۳۶۴) حدیقه الشعراء، به تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران، زرین.
- رستگار، منصور (۱۳۸۰) انواع شعر فارسی، چاپ دوم، شیراز، نوید.
- رضازاده شفق، صادق (۱۳۳۶) تاریخ ادبیات ایران، تهران، وزارت فرهنگ.
- روشن، محمد (۱۳۶۶) تاریخ‌نامه طبری، تهران، نشر نو.
- شایق لرستانی (۱۳۸۳) دیوان، تصحیح و پژوهش حمیدرضا دالوند، خرم‌آباد، افلاک.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰) صور خیال، چاپ چهاردهم، تهران، آگه.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۸) زندگانی علی بن‌الحسین^(ع)، چاپ شانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شیروانی، محمد (۱۳۵۰) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیر یزد، تهران، انجمن آثار ملی.
- صامت بروجردی (۱۳۴۲ هـ.ق) دیوان، چاپ سنگی، بی‌جا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، تهران، فردوسی.

غضنفری، اسفندیار (۱۳۷۸) گلزار ادب لرستان، به اهتمام اسعد غضنفری، تهران، مفاهیم. فضیلت، محمود و حشمت‌الله موسوی (۱۳۸۹) «جستاری در زبان شعر باباطاهر»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۷، صص ۲۵-۲۹.

کافی، غلامرضا (۱۳۸۸) شرح منظومه ظهر، چاپ دوم، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹) شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، تهران، پیک جلال. میر نوروز [نامشخص] (۱۳۷۰) کلیات، گردآوری اسفندیار غضنفری امرایی، چاپ پنجم، خرم‌آباد، رشنو.

نویسنده ناشناس، عالم آرای عباسی (۱۳۵۰) به کوشش یدالله شکری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران. والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۹) نام‌آوران لرستان، تهران، حروفیه. هجویری، علی‌بن‌عثمان (۱۳۸۹) کشف‌المحجوب، تصحیح محمود عابدی، چاپ پنجم، تهران، سروش.

